

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد بدین بوم و بر زنده یک تن مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

afgazad@gmail.com

www.afgazad.com

Political

سیاسی

یک هوادار پورتال

۲۴ جولای ۲۰۰۹

نه کل ماند نه کدو!

به تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۹ مقاله در سایت آزمون ملی تحت عنوان "استاد سیاف از خدا(ج) بترس!" به نشر رسیده بود که در آن از جنگسالار و قاتل مشهور سیاف مذمت و از خاین کبیر داکتر عبدالله عبدالله تمجید صورت گرفته بود که اینک بر آن نوشته اندکی مکث گردیده و در سه بخش خدمت خوانندگان گرانقدر پورتال تقدیم می گردد.

بخش اول

درد دل یک مجاهد

بنام خداوندی که هدایت و ضلالت به دست اوست. درود بر روان پاک پیامبر اسلام و ناجی بشریت، یاران و پیروان راستین و صادق اوشان.

استاد محترم استاد سیاف! این خطاب از جانب کسی است که از ناحیه دین و آخرت شما به تشویش است و نمی خواهد خاتمه شما خدای نخواستہ به شر بیانجامد!! چون دوست واقعی کسی است که انسان را از گمراهی نجات دهد و برای او تذکیر خیر نماید. «فَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ... الآية» می خواهم با این خطاب کمک و خدمتی در حق شما کرده باشم. خوب گوش فرا دهید و اگر به شما رسید، چندین بار و به تکرار بخوانید!

• شما کسی هستید که در یک دوره خاص به عنوان مبارز مسلمان، دین شناس و با تدبیر شهرتی خاصی داشتید! من با شهرت شما کاری ندارم. می خواهم از گفته های سابق شما را استشهاد کنم و عملکرد امروز شما را به رخ تان بکشم، تا هم دین خود را اداء کرده باشم و هم خدمتی برای شما و آخرت شما نمایم!

تبصره: این کدام وقت بود که سیاف یک مبارز مسلمان و با تدبیر بود؟ چرا فراموش می کنید که حفیظ الله امین هزاران انسان را در پلچرخی بکشت و نسبت خویشاوندی سیاف را نگه داشت. و اینک سیاف با گلابزوی، رنجبر و علمی، دوستان عزیز امین، هم از کاهدان خلق و پرچم می خورد و هم از توبه اسلام سیاسی.

• شما به حکایت خود تان در راه مبارزه اسلامی هر نوع زحمتی را به جان خریده اید. زندان، خطر مرگ، محرومیت، توهین، تحقیر، دربدری و... ولی امروز به استدلال عدم ظرفیت و فقدان زمینه مبارزه، همکاری خود را با استکبار جهانی، صلیبی ها و صهیونیزم توجیه می کنید؟

تبصره: سیاف در کشتار مردم کابل در دهه ۱۹۹۰ بسیار زحمت کشیده و تکلیف زندان، خطر، محرومیت، توهین و تحقیر و دربدری ۶۵ هزار کابلی را با کمک گلبدین، ربانی، مسعود، خلیلی، محقق و دگر جنایتکاران از سر کابلیان بی گناه و بی خطا دور کرده است. سیاف عضو حزب وهابی های عربستان سعودیست. سالها به آنها نوکری داده و هزاران دختر جوان و خاتم بیوه را مانند حیوان به اربابان سعودی فروخته است. با این کار سیاف به مجموع مردم افغانستان توهین کرده است. او نوکر اعراب، نوکر پاکستان و نوکر امریکا بوده و هرگز از این نوکری سر پیچی نمی کند. این در سرشت و طینت اوست و آقای مجاهد به نا حق خون دل می خورد.

• شما به کمتر از خلافت عمری قانع نبودید. مگر چه شده است که؟ امروز برای خلافت آقای کرزی - که خودش هم در دست نشانده بودنش از جانب اغیار شک ندارد، کمپاین می کنید؟

تبصره: سیاف مانند گلبدین و مجددی دعوی پیغمبری دارد و از این جهت حضرت عمر را به رسمیت نمی شناسد. ولی این پیغمبری همیشه در خدمت اربابان خارجی بوده است. آخر مجددی از سیاف چه برتری دارد که در خصوص انتخاب کرزی برایش وحی مواصلت کرده. شاید کاپی این وحی به سیاف نیز رسیده باشد و آقای مجاهد هنوز خبر ندارد.

• شما رویای مرحوم استاد توانا را که در الازهر شریف و قبل از انقلاب دیده بود «در افغانستان سیلی خروشان آمده بود، همه وارد سیل شده بودند و او نتوانسته بود در خواب وارد سیل خروشان شود که افغانستان را در نور دیده بود و شما با باقی رهبران وارد سیل شده بودید» به رفتن در پهلوی دوستم تعبیر می کردید و اقدام او را ضلالت می خواندید! سالهای زیادی او را به این بهانه مورد ملامت قرار میدادید. اما امروز خودتان در پهلوی اشخاصی قرار دارید و همراه و همسفر شان هستید که سگ دوستم هم بر آنها شرف دارد؟ حتی امروز شما و دوستم در یک صف قرار دارید و برای یک شخص و یک جریان غیر اسلامی کمپاین می کنید؟

تبصره: وقتی سگ دوستم بر آنها شرف داشته باشد، پس سیاف بد تر از سگ است. ای وای به حال سگ اگر سیاف به او تشبیه شود. زیرا سگ هرگز قتل نمی کند. ولی سیاف قاتل هزاران افغان است و با دوستم همبستر و هم کاسه می باشد. فراموش نشود که دوستم هزاران انسان را کشته و اینک جنایات او می رود که آفتابی تر بشود. دیری نخواهد پاید که خون بی گناهان دامن سیاف و ربانی و دگران را نیز بگیرد. آنگاه حضرت عمر و یزید و هر کدام دگر را به رسمیت خواهد شناخت.

• شما استاد ربانی را ملامت می کنید که؛ چرا با کمونستان «علمی و گلاب زوی» ائتلاف تشکیل داده است؟ ولی خود شما در جمع ۸۰ نفر از پارلمان که در پغمان برای کمپاین کرزی دعوت کرده بودید، گلاب زوی را هم خواسته بودید! مگر چه شده است که گلاب زوی نزد شما برود مسلمان است و جواز دارد و نزد دیگران کافر و نا جانز؟

تبصره: رهبران جهادی همیشه به اصطلاح هم از توبره خورده اند و هم از کاهدان یعنی هم در نوکری روس رفته اند و هم در نوکری امریکا. در این مورد استثنائی وجود ندارد. آقای احمد شاه مسعود از همه اولتر سر بر آستان روس سائیده بود. او با پرچمی ها و خلقیها در یک معامله سیاسی به قدرت رسید و آنگاه خلقیها و پرچمی ها را در آغوش گرفته و اکثری آنها را با بوجی های دالر به خارج فرستاد. آقایان آصف دلاور و بابا جان و صد های دگر برادران عینی مسعود بودند. و آن همه انسانهایی را که آنها کشته بودند به مذاق مسعود برابر بود. سنگ بنیاد دوستی و برادری خلقیها و پرچمیها با جنگسالار احمد شاه مسعود در سالهای اول جنگ ضد روسی گذاشته شد و تا حال ادامه دارد. لذا دادن این حق تنها برای ربانی گناهیست در حق سیاف. زیرا مردم گفته اند که: "خر که از خر پس ماند گوش و بینی اش از بریدن است".

• شما همیشه وقتی از یک انسان ضعیف الایمان در تنظیم تان نام برده برده می شد، سابقه مبارزه و جهاد او را به رخ مردم می کشیدید و تعامل خود را با او به این دلیل توجیه می کردید و امروز هم همین بهانه شما برای تبرئه خود از سازش با مفسدین است!! ولی امروز شما در مقابل داکتر عبدالله عبدالله که همه عمر خود را در سنگر و جهاد سپری کرده است، حتی چند سالی از آن را در حمایت از شخص شما گذرانیده است، از کرزی حمایت می کنید؟

تبصره: تنظیم های اسلامی مخصوصاً رهبران آنها هیچگاهی به یک دین و مذهب قرار نداشته و سگ هر سوار شده و هر صبح و شام جامه بدل کرده اند. مگر همین احمد شاه مسعود با دوستم پیمان نیست و بعد به جان هم نیافتادند؟ آیا ربانی و گلبدین ائتلاف نکردند و بعد یک دگر را به نام کافر نکوفتند؟ هنوز فراموش نشده که گلبدین و احمد شاه مسعود با سیاف و دگران کابل را ویران کردند و بعد از فراغت از کشتار مردم کابل و تخریب آن شهر زیبا با هم یکی شدند و در دولت ربانی، گلبدین به حیث صدراعظم و مسعود به حیث وزیر دفاع مقرر گردید. آقای سیاف نیز مانند همه جنایتکاران تنظیم های اسلامی با دشمنان مردم بارها وحدت کرده و بعد آن وحدت را شکستاده اند، حتی اگر این وحدت در کعبه بوده باشد. داکتر عبدالله نیز در قتل عام مردم دست داشت و از آن سنگر هائی که جناب مجاهد یاد می کند، ایشان بر بی گناهان کابل آتش می گشودند.

• شما از کسی حمایت می کنید که، جنرال کونسل سابق امریکا در پشاور در زمان جهاد، در باره اش چنین اظهار نظر می کند و با افتخار چنین می گوید: «من روزی از دفتر خود در پشاور نا وقت روز می خواستم خارج شوم. سکرتر من آمد و گفت: یک جوان افغانی آمده است و می خواهد با شما ملاقات کند! گفتم اجازه اش بدهید! وقتی وارد شد، شخص جوان و با لباس مرتب بود که از باقی افغانها فرق داشت. او با انگلیس حرف می زد و خود را معرفی کرد. گفت: شما چرا موشک استنکر را به افغانها دادید؟ من هم جواب او را و ضرورت این امر را گفتم. این جوان در پاسخ گفت: شما افغانها را نمی شناسید! من بعد از این با شما همکاری می کنم و افغانها را به شما معرفی می کنم! من قبول کردم و باهم دست دوستی دادیم. او از آن زمان تا حال دوست نزدیک من است و با هم کار کرده ایم. آن شخص کسی نیست جز حامد کرزی...» با نقل و اختصار از سایت فارسی بی بی سی. این مصاحبه حالا هم در آرشیف بی بی سی موجود است؟ حتماً با زرنگی که دارید، معنای دوستی خود خواسته کرزی را با جنرال کونسل امریکا در زمان جهاد و برا جلوگیری از دادن استنکر به مجاهدین، می دانید، آنهم دوستی برای مدت درازی تا رسیدن

به ریاست جمهوری؟ مگر شما یکبار به این فکر افتیده اید که سابقه داکتر عبدالله را با کرزی مقایسه کنید و هر کدام را با ترازوی انصاف و عدالت بسنجید؟

تبصره: تنظیم های اسلامی در پای هر که زر و زور دارد به سجده افتیده اند. آقای مجاهد فراموش کرده که همه تنظیم های اسلامی در آغوش ضیاءالحق، نواز شریف، جنرال حمید گل، نصیر الله بابر، آخند های ایران و ارباب و اشنگتن و غیره رشد کرده اند. علاوه بر این شورای نظار به دامن روسها غلتیده و مسعود روابط تنگاتنگ با روس ها برقرار کرده با آنها چندین پروتوکل امضاء کرده و به کمک آنها به قدرت دولت پوشالی رسید. آنگاه ربانی روس ها را از دادن غرامات جنگی معاف کرد و هزاران جنایتکار خلقی - پرچمی را مورد تفقد قرار داد. آقای ربانی با همه صلیبی ها روابط آشکار و پنهان دارد. آخر چرا سیاف این رابطه را نداشته باشد. قبلاً ضرب المثل مردم را یاد کردم که گفته اند: "خر که از خر پس ماند گوش و بینی اش از بریدن است". در یک نقطه حق با شماست که اگر بین کرزی و عبدالله فرق صورت نگیرد در حق عبدالله ظلم صورت می گیرد. زیرا به قول مردم کابل بین این هردو "خر واسپ فرق وجود دارد".

• شما زمانی هم رساله ای نگاشتید و ظاهر شاه را تکفیر نمودید. علاوه بر این، در سخنرانی رسمی خود در پشاور گفتید که؛ «من به دارالافتاء خود دستور داده ام که برایم ثابت بسازند که؛ ظاهر شاه کافر نیست! ولی تا حال برای من جواب نگفته اند؟» مگر چه شد که یک شبه ظاهر شاه مسلمان شد و شما با افتخار او را دعوت نمودید و حتی جایزاد هایش را هم خریدید؟ مگر حق می دهید که مردم در باره شما طور دیگری قضاوت کنند؟

تبصره: نه! هرگز نه! مسأله پول بالا تر از هر چیز است. هر که پول بدهد ثنائش خوانده می شود. اگر کافر باشد، مسلمان خوانده می شود و اگر پول ندهد، اگر مسلمان هم باشد، بد تر از کافر است. به همین دلیل آقای سیاف در ضیافت های آقای جورج دبلیو بوش شرکت می کرد تا با او جماعت کند، همچنانکه آقای داکتر عبدالله هر صبح و شام به دربار اوباما رفته و در آنجا متولی می گردد تا حدیثی از سی آی ای مواصلت کند.

• شما یکتن از فرماندانان خود را از ولایت غزنی، همیشه به بدی یاد میکردید و می گفتید که؛ «پسرش بد اخلاق است، او پسر خود را در مجلس شما می آورد و شما روزی جای دندانی کسی را در روی آن پسر دیده بودید!» مگر کسانی که شما امروز با آنها سر و کار دارید، روزی خود شما از بد اخلاقی های آنان داستان ها نمی گفتید؟ مگر بد اخلاقی ایشان زبان زد عام و خاص نشده است؟؟ چه شد که از آن اوج شعار های بلند پروازانه به حسیض این پستی ها خود را افتیده اید؟

تبصره: آن قوماندان پولهایی را که بنام جهاد غنیمت گرفته بود به سیاف نرسانده و خود خرج کرده بود. ولی اینک او "ان جو او" باز کرده و درآمد آنرا با سیاف تقسیم می کند. از این سبب مورد عنایت او قرار گرفته است.

• مگر رفتن به کوه های نورستان، همانند اسامه و حکمتیار، سخت تر از زندان های داوود خان و کمونستان است؟؟ که شما نا چاری خود را دلیل بر همکاری با صلیبی ها و صهیونیست ها می دانید؟

تبصره: آن سیو بشکست و آن ساغر نماند، لذا بناچار سیاف مثل داکتر عبدالله دل پر خون در کف صلیبی ها و صهیونیست ها بگذارد که این ها همه بندگان خداوند و صاحب کتاب آسمانی اند.

• مگر همین صلیبی ها در حریم شخصی شما داخل نشدند و حریم شما را تلاشی نکردند؟؟ مگر دفاع از حریم شخصی فرض نیست؟؟ روسها این کار را در حق شما نکرده بودند!

تبصره: نه! هرگز فرض نیست. آیا داکتر عبدالله در زیر طیارات بم افکن امریکائی، آن صلیبی ها را بالای ناموس وطن رهنمائی نمی کرد؟ داکتر عبدالله بار بار از امریکائیها خواسته بود که در بمباران شدت عمل نشان دهند و هرچه بیشتر و هر چه زودتر افغانستان را فتح و جناب شان را بر اریکه قدرت نصب نمایند. آقای مجاهد! آنگاه شما کجا بودید که از حریم وطن دفاع می کردید؟ همین حالا هر روز صلیبی ها به خانه های مردم حمله می کنند به جان مرد و کودکان و زنان می افتند. ولی آقای داکتر عبدالله حتی مایل نیست که این صلیبی ها از افغانستان خارج شوند. آقای مجاهد! آیا یک چشم شما کور است که واقعیات را دیده نمی توانید. آقای سیاف و آقای داکتر عبدالله با دار مشترک دارند و حد غلام باشد که با بدارش پرخاش کند. پس سیاف از عبدالله چه فرق دارد. این که روس ها این کار را در حق سیاف نکرده بودند، دلایلش خویشاوندی با حفیظ الله امین و رابطه نیک سیاف با روسها بود همچنانیکه احمد شاه مسعود در این رابطه از سیاف پس نمانده است.

• استاد محترم! شما کسی را اجازه نمی دادید، حتی ریش خود را کوتاه کند، چون می گفتید؛ ترک سنت می شود! امروز چه شده است که نماز ها را مثل عوام بی حضور، با عجله، سرسری و بدون جماعت می خوانید؟ مگر در اسلام تغییر آمده است و یا در شما؟؟

تبصره: استغفرالله! در سیاف هیچ تغییری نیامده است هر تغییری که آمده در اسلام آمده و در این مورد از قبل برای آقای مجددی وحی نازل شده که امریکائیها برادران اسلامی مجددی اند و از کرزی باید حمایت شود. سیاف همان جانی، قاتل، مال مردم خور، ظالم و دشمن انسان است که بوده. او نماز خود را با سفیر امریکا و انگلیس می خواند که ثواب آن بیشتر است، همانندی که ربانی و داکتر عبدالله با پوتین و نظربایوف جماعت می کنند.

• شما که روزی یاسر عرفات را نماینده مردم فلسطین نمی دانستید و ادامه مبارزه ای خود را بیت المقدس می گفتید! چه شده است که امروز جنگ غزه را در برابر اسرائیل جنگ ایران و اسرائیل می نامید؟ چه شده است که

جنگ حزب الله را جهاد نمی دانید؟؟؟ حال اینکه همهء علمای جهان اسلام با اتفاق از آن حمایت کردند و به آن فتوای جهاد دادند! معلوم می شود که آن سخنرانی ها و شعار ها بخاطر فلسطین و بیت المقدس برای تلاشی شیوخ عرب بود، نه اسلام و مسلمین؟

تبصره: این کاریست که همه رهبران جهان عرب و سران تنظیم های اسلامی کرده اند و می کنند. از داعیه فلسطین گپ می زنند و به ضیافت امریکائیا و انگلیس ها می روند. آخر فلسطینی ها نه پول دارند که بدهند و نه مال. ولی صلیبی ها همه چیز دارند. لذا سر این سران جاتی و دم شان جای دگریست.

پایان بخش اول